

بصیرت

کمی کسی از خدمت حضرت علی (علیه السلام) گفت: اما اینم دو نم حق باکم؟

امرو مشبه شده برام! شما نماز رو خونی، معاصی هم منجونه! شما صی علی الصلاه منکم

معاصی هم منکم! شما تعصبات داری اونم داره! شما سگی اسلام اونم منکم اسلام!

[اصلاً شبیه روز از این جهت شبیه منگین، چون شبیه حقه → روایتیه]

آقا فرمودند، می دونی مشکل توحید؟ تو حق رو با افراد می سنجی!

حق رو با افراد سنجید، افراد رو با حق بسنجید... اعز الحق تعالی

امام هادی (ع) می فرمود، راه کاش شلاق بالای سر یا راغم می گرفتم تا هم می رسید در دین، خود تفقه می کردند. (فهم در دین به اندازه توان با رجوع به کارشناس)

دین مردم ستم، دین معاویه اهر بود، انا حس رونی شناختند، حس رونی نواست! فرزندان خون علی بی نمازه می شناختند.

(منگ به سر رسید بهشتر انگ نمی زدند تا سر رسیدند از نای که انگ می زدند می نمودند...)

\* ابوسفیان پسر، نام نرید داست و برادر کوچکترش معاویه  
ابوسفیان / نرید / معاویه

معاویہ ہم میری داشت کہ ب عین برادرش نام فرزندش را نریزد داشت .  
نریزد برادر معاویہ حاکم شام بود و بعد از او معاویہ حاکم شام شد .

چار طاحونہ ( اُلاقہ ست کہ بہ سنگ کیاب بہ بندند و چشماش مردم ہر بندند )

چار طاحونہ بہ چاہی عین رس با اینکہ راہ میرہ ← چون با چشم بستہ میرہ .

التبہ عن اُلاق لا اقل هرب یکبار چشماش باز بستہ اما گاہی از صندرد ۱۰ سال

چشماش بستہ است . ← یہ زمانہ در عین کونہ از کودک دستانہی تا پیر بسیار ستانی

چند روز ہر ناخند با علی بن ابی طالب بیعت کردند ... چار سوزن

چند روز ہر ناخند با علی بن ابی طالب بیعت کردند ... چار سوزن

قلبا ہم دوست داشتند « قلوبہم معک » انداختن توں مسجد نبود ...

اما تلاش عکلی برابر اِصیاء دین و اِصیاء حق نداشتند ...

✓ حضرت زینب (س) فرمودند : ( گمانہ کوفیان ) ← بعد از واقعہ کربلا :

« گریہ کنید ، او تقدیر گریہ کنند با اشک چشمون خشک سہ ، تا ابد گریہ کنند ...  
اما عین روکشند ... »

قرآن میگه : راه حل تقواست :

طلاق ۲۱

يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا .

نور ۴۶

يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا .

انفال ۲۹

يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا .

کسی که تقوا داشته باشه

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ»

اگر کسی تقوا داشته باشه ماره خروج رو هسته برایش باز میگذارم ، برای اون نور هدایت قرار می دم و «فرقانا» قدرت تشخیص حق از باطل رو پیش هم دم

مسأله شایسته فتنه صلی محمد ، ضروریه :

یا تَرَكَوا الْعِبَادَةَ  
تَرَكَوا الصَّلَاةَ

شخص رو تروری کنه

گاهی دشمن

شخصیت رو تروری کنه

شایسته رو تروری کنه (تروریستها)

چرا گفتی

در سوره جمع میگه (آیه آخره !!) : وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا

انفضوا إليها و تَرَكَوا مَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ سِوَى ذَلِكَ لِيُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ يُذَكَّرُوا بِالَّذِي كَانُوا يُعْتَدُونَ

اینجا مسأله ترددِ شافعین مظهره لذا هذا تأکید داره بر

حالت از شافعین (یعنی پیامبر - ولایت مداری ...)

و تری و اوهان قسه گران :

وَ إِذَا لَعَنُوا الَّذِينَ آمَنُوا ، قَالُوا آمَنَّا هُنَّكَمُ كَمَا بَدَأْنَا إِيَّاهُمْ وَ بَدَأُوا بِنُحُورِهِمْ  
مگر کنید ما ایمان آورده ایم .

وَ إِذَا خَلُّوا إِلَى شَاطِئِنِهِمْ ، قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ

و له وقتی با شایطین شون خلوت می کنند می گویند « ما با شما هستیم »

إِنَّمَا خُنُّوا مُسْتَهْزِئُونَ فاقطه اونارو [مؤمنان رو] مسخره می کنیم

علی مالک شمشیر زن داره ، اما عمار سبین گرن داره (جریان او افضک  
معنی)

← اصرار قسه گران ، قضیه امان نام ثابت کرده ، عباس هم اگر با نبی دشمن

براه جدا کردن تو از ولایت در بیخ نمی کند ... !